



مبانی حق بر هنر و وظائف دولت در برابر آن از منظر شریعت اسلامی

محمد مهدی مقدادی^۱

دوفصلنامه علمی مطالعات نظری هنر

سال پنجم | شماره ۸ | بهار و تابستان ۱۴۰۴

شایا: ۵۵۳۴ - ۲۸۲۱ | ص: ۵۹ - ۸۴

چکیده

هنر یک حق مسلم در زمره حقوق شهروندی و حقوق بشر است. فواید و آثار هنر آن قدر مهم و چشمگیر است که هیچ حکومتی نمی تواند بدان بی توجه بوده و خود و شهروندانش را از آن محروم و بی نصیب گرداند. شریعت اسلامی آموزه ها و ملاحظات ارزشمندی در خصوص هنر دارد و حق بر هنر را می توان از آن استفاده کرد و در پی آن وظائف و تعهدات حکومت اسلامی نیز در تأمین و حمایت از این حق استنباط نمود. حکومت اسلامی باید زمینه های بهره مندی و حمایت از این حق را برای شهروندان به شایستگی فراهم آورده و ضمن جهت دهی مطلوب آن، از انحراف و آسیب های آن هم مراقبت نماید. در این نوشتار تلاش شده ضمن بیان مبانی حق هنر، مهم ترین وظائف و تکالیف حکومت اسلامی در این باره تبیین گردد. وظایفی چون: شناسایی حق بر هنر و حمایت از آن، بهره گیری از هنر برای آموزش و تربیت، ارتقای سلامت روانی و معنوی در جامعه، و ترویج معارف و ارتقای فرهنگ دینی. همچنین حکومت اسلامی موظف است حمایت های لازم را برای برخورداری شهروندان محروم و کم توان از حق هنر با توجه به نیاز و استعدادشان فراهم نماید و افزون بر اینها حمایت های مناسب را برای خلق و ارائه آثار هنری مطلوب،

۱. - دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه مفید؛ meghdadi@mofidu.ac.ir

منظور کرده و در برابر تدابیر و اقدامات مناسب را برای جلوگیری از نفوذ و ترویج هنرهای منحرف و زیان بار و رفع آسیب های ناشی از آن انجام دهد. با این ترتیب می توان اذعان نمود که حکمرانی اسلامی در هنر دارای نظامی شایسته و کامل است. واژگان کلیدی: حق بر هنر، حکومت اسلامی، حکمرانی در هنر، حمایت از هنر.



❁ مقدمه

هنر مانند دین و مذهب از گذشته تاکنون، با انسان همراه بوده و رکنی از زندگی او محسوب می‌شود. هنر وسیله ارتباط و عامل رشد و پیشرفت بشر بوده و از آنجاکه انسان‌ها همواره با آفرینش آثار هنری، احساسات و عواطف خود را بیان می‌کرده‌اند، هنر را یک فعالیت انسانی دانسته‌اند که مقصدش انتقال عالی‌ترین و بهترین احساساتی است که انسان‌ها بدان‌ها دست یافته‌اند (تولستوی، ۱۳۶۴، ص ۷۶).

پرداختن به مفهوم، ماهیت و قلمرو هنر نه در توان ماست و نه در مجال این نوشتار؛ این که آیا هنر باید موجودیت مادی داشته باشد؟ و آیا هنر، صرف لذت و تولید آثار دلپذیر است یا وسیله‌ای برای ارتقای کمالات بشر و کسب فضیلت و معنویت؟ و این که آیا زیبایی، جزء ذات هنر است یا خیر؟^۱ مسائلی پیچیده و بحث‌انگیز است. لیکن این نوشتار در پی سخن گفتن از حق هنر و پرداختن به مبانی این حق است و به دنبال آن بیان وظایف دولت و حاکمیت در قبال آن. بحثی که اینک از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است و با حضور حاکمیت اسلامی کاربست فراوانی دارد.

۱. عده‌ای بر این باورند که اساساً هنر، تجربه زیباشناختی بشر از جهان است و در برابر برخی معتقدند که هنر، تجربه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌های جهان است، چه اگر هنر، تنها وسیله‌ای برای کسب لذت و نشان دادن زیبایی باشد، بسیاری از آثار هنری ارزشمند (که فقر، تبعیض، جنگ و آوارگی را به تصویر کشیده‌اند)، از دایره هنر، خارج خواهند شد (تولستوی، ۱۳۶۴، ص ۵۷).

بی‌گمان هنر در بستر جامعه و در رابطه با دولت و سیاست، جای تأملات فراوانی دارد. اساساً هنر فقط بازتاب درونی یک هنرمند نیست، بلکه بازتابی از درون هنرمند و اجتماعی است که هنرمند در آن قرار دارد. آثار هنری لایه‌هایی از معانی را در خود دارند که بخشی از آن تفکر و جامعه و سیاست هنرمند را نشان می‌دهد. این که دولت و حکمرانی چه جایگاه و وظایفی در مقوله هنر دارد و آیا می‌تواند بدان جهت داده یا آن را محدود سازد؟ در این میان توجه به مبانی و آموزه‌های اسلامی بسیار مهم و روشنگر است. خاصه، زمانی که مقوله هنر اسلامی مطرح می‌شود که دارای ارزشمندترین دستاوردهای بشری (مانند معماری، خوشنویسی، شعر و نقاشی) در عرصه هنر است. هنری که هدفش ارشاد، تقرب الهی و تعالی انسان است و بی‌گمان حکمرانی اسلامی در برابر آن وظایف مهمی دارد.

بر اساس این محورها، نوشتار حاضر ابتدا به بررسی هنر به مثابه یک حق برای هر انسان عنایت می‌پردازد و آنگاه وظایف حکومت اسلامی را در برابر آن تحلیل و تبیین می‌کند.

❁ ۱. مفهوم حق و حق‌انگاری

در دوران اخیر، حق در حقوق بشر، مقررات بین‌المللی و حقوق شهروندی جایگاهی ویژه‌ای یافته و در مصادیق جدید و مهمی نمایان گشته (از جمله حقوق محیط‌زیست، حقوق معنوی، حق بر حریم خصوصی و حقوق مالکیت معنوی) و بیش از هر زمانی مورد توجه قانون‌گذاران، دولت‌ها و شهروندان قرار گرفته است و از این جهت شناسایی مفهوم و ماهیت حق از اهمیت زیادی برخوردار شده است.

بحث از مفهوم حق و مبنای حق‌انگاری چالش‌برانگیز است و مباحث متعدد و نظریات مختلفی در این باره مطرح شده است؛^۱ برخی حق را به معنای ملکیت دانسته

۱. البته بحث از مفهوم حق در اینجا حق در معنای مدرن؛ یا حق برداشتن است (Right to have) چه این که امروزه تئوری حق و حقوق بنیادین انسان‌ها به همین محور متمرکز است و نه حق بودن (To be right).



مبانی حق بر هنر و وظائف دولت در برابر آن از منظر شریعت اسلامی

و گفته‌اند که حق مرتبه ضعیفی از ملک و نوعی از آن است و صاحب حق مالک چیزی است که زمام امر آن به دست اوست، همچنان که در ملک، زمام امر عین یا منفعت به دست مالک است (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۷)، درحالی که به نظر می‌رسد مالکیت خود از مصادیق حق است و لذا به نظر می‌رسد این تعریف، تعریف به مصداق است (توجهی و سمیعی، ۱۳۹۹، ص ۳۳).

مرحوم شیخ انصاری حق را به سلطنت و توانایی تعریف کرده و فرموده است: حق نوعی از سلطنت است که امور آن به دست من له الحق است (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۹).

برخی از اندیشمندان حق را قدرت و توان اراده دانسته‌اند، وینشاید حقوق دان آلمانی حق را توان و قدرتی می‌داند که نظم حقوقی به اراده اعطا کرده است (ساکت، ۱۳۷۱، ص ۴۳). دکتر جعفری لنگرودی در تعریف حق، از چنین مفهومی طرف‌داری کرده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۱، ص ۱۵). درحالی که قدرت اراده به مرحله اثبات و اجرای حق اشاره دارد و نه ثبوت، ازاین‌رو این مفهوم حق نیز قابل طرف‌داری نیست. توماس هابز حق را به آزادی ارتباط داده و معتقد است حق در برگیرنده آزادی انجام یا عدم انجام یک عمل است (هابز، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱).

دکتر سید حسن امامی هم به عنصر آزادی در مفهوم حق اشاره دارد و می‌گوید آزادی عمل، رکن اساسی حق است، حق امری تصویری است که قانون آن را از نظر حفظ نظم جامعه معتبر شناخته و آثاری بر آن قرار داده است (امامی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۳۴).

اما بسیاری از نویسندگان، حق را به معنای امتیاز دانسته‌اند. دکتر کاتوزیان می‌نویسد: حق، امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۳۷۴).

براین اساس حق امتیازی است که قانون به شخص می‌دهد و از آن حمایت و پشتیبانی می‌کند و بر پایه همین حمایت، انسان‌ها باید به حقوق دیگران احترام بگذارند. لیکن

در این دیدگاه هم حق منحصر به چارچوب قانون می‌شود، درحالی‌که در موارد زیادی ایجاد حق ارتباط به قانون ندارد، بلکه قانون تنها نقش حمایتی و پشتیبانی دارد. اینها مهم‌ترین دیدگاه‌ها در خصوص حق هستند^۱ و به نظر می‌رسد در این میان تعریف، حق به امتیاز مناسب‌تر است. البته برخی نویسندگان گفته‌اند که امتیاز انگاشتن حق باعث سوءاستفاده افراد صاحب قدرت از حق است و بهتر است به جای امتیاز از قابلیت و شایستگی استفاده شود (توجهی و سمیعی، ۱۳۹۹، ص ۵۱). البته این واژه امتیاز نیست که موجب سوءاستفاده افراد صاحب قدرت می‌شود، بلکه پیش‌تر طبع قدرت‌طلبی و روابط و حمایت‌های نادرست است که این پیامدها را به ارمغان می‌آورد.

اما مبنای حق انگاری هم به نوبه خود پر بحث و معرکه آراست؛ اگرچه در مجال حقوق بشر، مبنای حق، انسان بودن است. یعنی برخورداری از شأن و کرامت انسانی، اساس برخورداری از مجموعه این حقوق و امتیازات است. که در ادامه ذیل حق بر هنر بررسی می‌شوند.

۲. حق بر هنر و مبانی آن:

برای ترسیم حکمرانی در هنر و الزامات مربوط به آن، شایسته است حق بر هنر برای شهروندان بر اساس مبانی آن تثبیت و به مثابه حقوق بشر و شهروندی شناسایی شود. حق بر هنر، حقی جامع و مشتمل بر خلق و ارائه هنر، آزادی هنری و بهره‌گیری از

۱. گفتنی است درباره تحلیل مفهوم حق توجه به تقسیم بنیادین و نظام مند بسیار رهگشاست. بر اساس نظر هوفلد، معنای واحدی از حق در نوشتارهای حقوقی وجود ندارد؛ به عبارت دیگر واژه حق در ذیل چهار مقوله مجزا مشتمل بر «حق - ادعا یا مطالبه» (Right-Claim)، «حق - امتیاز یا آزادی» (Liberty/Right-Privilege)، «حق - قدرت یا اختیار» (Right-Power) و «حق - مصونیت یا امنیت» (Right-Immunity) قابل تبیین و بررسی است. البته در حوزه حقوق بشر و حقوق شهروندی، اساساً حق‌هایی فردی یا حق‌هایی که قابل فروکاستن به حق‌های فردی اند، بیشترین قرابت را با «حق - ادعاها» یا «حق - مطالبه‌ها» دارند (Waldron ۸، ۱۹۹۵). در واقع حقوق بشر معاصر، نظامی هنجاری است که متضمن حق - ادعاهای افراد در برابر دولت است؛ براین اساس کارکرد اصلی این نظام هنجاری، محدود کردن قدرت دولت در برابر افراد است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ص ۱۵).



مبانی حق بر هنر و وظائف دولت در برابر آن از منظر شریعت اسلامی

جلوه‌ها و آثار هنری است. این که انسان آزادانه و بدون محدودیت حق بر خلق هنر و ایجاد جلوه‌های هنری دارد و در پی آن حق ابراز و ارائه این اثر در جامعه برای مشاهده شدن و تأثیرگذاری است و نیز در نهایت حق استفاده و بهره‌مندی از آثار و مخلوقات هنری توسط شهروندان است.

البته حق بر هنر با عنوان مستقل در مباحث حقوق بشری و شهروندی مطرح نشده است. در معاهدات حقوق بشری، اثر هنری و بیان آن دارای عنوان مستقل نیست (حکمت‌نیا و غیاثوند، آزادی ابراز خلق هنری و حدود آن ص ۳۷)، بنابراین باید عناوین کلی دیگری یافت که ابراز اثر هنری مصداق آن است اما با توجه به مبانی و منابع حقوق بشر می‌توان آن را به مثابه حق در نظر گرفت. عنوان حق هنر و آزادی هنری در پرتو آزادی بیان و حقوق فرهنگی و فعالیت خلاقانه مطرح شده که خود دلیلی برای حق بر هنر است.

با توجه به این که نظام حقوقی ما مبتنی بر فقه امامیه است و شناسایی و پذیرش حق و تکالیف مرتبط با آن نیازمند تأیید آن از منظر شریعت اسلامی است، در ادامه به مهم‌ترین مبانی فقهی و حقوقی حق بر هنر اشاره می‌کنیم:

الف. کرامت انسانی

کرامت مهم‌ترین مبنای حقوق بشر و نیز مبنای اصلی حق بر هنر است. کرامت در لغت به معنی «بزرگی و ارجمندی»، «بخشندگی» و «شرف و کمال» است (عمید، ۱۳۶۴، ۹۷۱ و ۹۷۳، قرشی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۰۳). و در اصطلاح هم شرافت و بزرگواری و نزاهت از دناوت و پستی است.^۱ خرد و رزان و شریعت مداران اذعان دارند که هر انسانی دارای ارزش، شرافت و کرامت است و انسان‌ها در فطرت و کرامت انسانی مشترکند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۱۵۲ و جعفری، ۱۳۸۵، ص ۲۸۰).

روشن‌ترین دلیل در این خصوص آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي

۱. کرامت به معنای بزرگواری و انسانیت، معادل واژه انگلیسی Dignity است (The Oxford Encyclopedia: p. ۳۸۹).

آدم و حمله‌ها در البر و البحر» که به صورت فراگیر لباس کرامت بر همه انسان‌ها، از هر نژاد و طیف اعتقادی و فکری و فرهنگی پوشانده شده است، و بیان می‌دارد از آغاز خلقت سرشت انسان با کرامت عجین بوده (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۹) و انسان «بما هو انسان» عزیز و شریف و ارجمند است. این کرامت را می‌توان کرامت انسانی هم نامید، چون ملاک آن انسان بودن است و تا زمانی که انسانیت هست، این کرامت هم برقرار است و همان گونه که برخی اندیشمندان اشاره کرده اند، این کرامت مرحمت و هدیه الهی به انسان است، اما ذاتی نیست، بلکه زایل شدنی است.^۱

البته برخی از فقیهان معاصر آیه شریفه را که بیانگر کرامت ذاتی انسان است، به صراحت مقتضی حقوقی اساسی و فطری می‌دانند (منتظری، ۱۴۲۹ق، ص ۷۱). بدین ترتیب انسان‌ها به رغم تمایزات ظاهری و حتی فکری و فرهنگی، از لحاظ کرامت انسانی با همدیگر مساوی و برابر هستند که این همان کرامت و ارزش روح بشر بوده و حقیقت وجودی او را شکل می‌دهد و بر پایه کرامت فطری و اعطایی، حق بر هنر به مثابه یک حق بشری، برای تمامی انسان‌ها وجود دارد و تفاوت و تبعیضی در این باره روا نیست. البته بهره‌گیری از این حق و آثار آن بسته به طبع و تلاش انسان دارد، همانگونه که این امر در مورد حق بر آزادی و حق بر آموزش صادق است.

ب. آزادی اندیشه و بیان

آزادی از بزرگ‌ترین نعمت‌ها و از گران‌بهاترین سرمایه‌های مادی و معنوی انسان است. میل به حریت و آزادی چه در اندیشه و چه در بیان با فطرت انسان آمیخته شده و از

۱. انسان‌هایی که از عقل سلیم و مشاعر ادراکی خدادادی شان استفاده نمی‌کنند، کرامت را از دست می‌دهند و لذا خارج از حیطه انسانیت و گمراه‌تر از چهار پایان تلقی شده‌اند: وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا تَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ. به طور مسلم گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آن‌ها دال‌ها (عقل‌ها) بی دارند که با آن (اندیشه نمی‌کنند و) نمی‌فهمند و چشمانی دارند که با آن نمی‌بینند و گوشه‌ایی دارند که با آن نمی‌شنوند، آنها همچون چهار پایانند، بلکه گمراه‌تر اینان همانا غافلانند (زیرا با اینکه همه گونه امکانات هدایت دارند باز هم گمراه‌اند). (اعراف، ۱۷۹) (محمد جواد ارسطو، ۱۳۹۶، نظام اسلامی حقوق بشر، ج ۱، ص ۱۱۷).



مبانی حق بر هنر و وظائف دولت در برابر آن از منظر شریعت اسلامی

مطبوع‌ترین تمایلات طبیعی بشر است. مصداق مهم و تجلی برجسته این آزادی، هنر و فعالیت‌های هنری است.

هنر زبان بدیع اندیشه‌ها و احساسات است. هنر از لحاظ بی‌شائبگی خود، از زبان هم برتر است و از لحاظ بین‌المللی و جهانی بودن بر زبان‌های ملی تفوق دارد (هنرجو، حسین، اهمیت هنر در زندگی اجتماعی، نشریه الکترونیکی طرح نو وطن (۲۱۰۴) <http://tarhenaw.com/?p>).

متفکر بزرگ آگوست کنت معتقد است که «هنر بخشی از زبان است که تمام افراد نوع بشر آن را درک می‌کنند و به معانی آن پی می‌برند» (شایسته‌فر، پوراشرف، ۱۴۰۰، ص ۲۵). بدین‌سان هنر یک زبان گویا، مؤثر و فراگیر است که تمام انسان‌ها آن را می‌فهمند. بنابراین آزادی اندیشه و بیان، مبنا و تضمین حق بر هنر است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر هم آزادی عقیده و بیان را در زمره حقوق اساسی بشر که همه ملت‌ها باید به آن احترام بگذارند قلمداد کرده و ماده ۱۹ آن اعلام می‌دارد: «هر فردی حق برخورداری از آزادی عقیده و بیان را دارد و این حق متضمن آن است که او بتواند بخاطر عقایدش بیم و اضطراب به دل راه ندهد و نیز بتواند اطلاعات و افکار را بدن ملاحظات مرزی و با هر وسیله بیان که باشد جستجو کند، بدست آورد و نشر دهد». در بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده است: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.» حق هنر هم از موارد مهم و مصادیق اصلی آن است. همین امر در مواد ۲۵ تا ۲۷ منشور حقوق شهروندی (ابلاغی آذر ۱۳۹۵) با تفصیل و تصریح مطرح شده است: ماده ۲۷ بیان می‌دارد: شهروندان حق دارند اندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طرق مختلف آفرینش فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند.

آزادی عقیده و بیان در شریعت اسلامی پذیرفته شده و مبانی آن (کتاب و سنت و

عقل) روشن و تردیدناپذیر است، چه این که اسلام دین اندیشیدن، خردورزی و کمال جویی است. در بسیاری از آیات قرآن، خداوند انسان ها را به علت تعقل نکردن مؤاخذه کرده و با عباراتی؛ مانند: «أَفَلَا نَعْقِلُونَ»، «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» و «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ»، آنها را به تفکر و تعقل دعوت می کند. از سوی دیگر قرآن کریم می فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» بندگان مرا بشارت ده، همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها تبعیت می کنند (زمر آیه ۱۸).

علامه طباطبائی در تفسیر خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (الرحمن آیه ۳ و ۴) نوشته اند: «واژه بیان در این جمله به معنای پرده برداری از چیزی است. از همین رو گفته شده است خدای سبحان ابزار سخن گفتن را به انسان داده است و طرز آن را به وی آموخته تا آنچه او در دل خود دارد به دیگران منتقل کند و به آنها بفهماند که چه می خواهد و چه می فهمد (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹، ص ۹۵). (بدین ترتیب نمی توانیم از آزادی اندیشه و بیان سخن بگوییم اما مهم ترین و گویاترین جلوه آن یعنی هنر را در نظر بگیریم.

ج. حقوق فرهنگی

حقوق فرهنگی طیف وسیعی از حقوق انسانی را شامل می شود (از قبیل حق آموزش، احترام به عقائد دیگران، حق مشارکت و حق حمایت از آثار علمی، ادبی و هنری) که هدف آن رشد شخصیت و بالندگی انسان از راه آموزش و ارتقای سطح دانش و فرهنگ و ایجاد دوستی و تفاهم است. بسیاری از حق ها و آزادی های انسانی یا در مجموعه حقوق فرهنگی قرار دارند و یا برای تحقق صحیح آن ها به حقوق فرهنگی نیاز است (محیا صفاری نیا، ۱۳۹۵، شماره ۲). حق بر هنر نیز در زمره حقوق فرهنگی قرار دارد و تثبیت آن نیازمند حمایت از حقوق فرهنگی است. همچنان که تقویت و ترویج حقوق فرهنگی نیازمند هنر و آثار هنری است.

در شریعت اسلامی، حقوق فرهنگی مورد تأیید و تأکید است و اساساً در زمره اهداف و مسئولیت های حکومت اسلامی قرار دارد. «وَيَزَكِّيهِمْ وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه



مبنای حق بر هنر و وظائف دولت در برابر آن از منظر شریعت اسلامی

آیه ۲) حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره فرموده‌اند: «ای مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی را از شما دریغ ندارم و حقی که در بیت المال دارید، کاملاً پیردازم و شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید...» (نهج البلاغه، خطبه ۳).

در اسناد بین‌المللی هم می‌توان به ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره کرد که در مورد حقوق فرهنگی مقرر داشته: ۱. هر کس حق دارد در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد. ۲. هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

در ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی هم مقرر شده است: کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را در امور ذیل به رسمیت می‌شناسند: الف، شرکت در زندگی فرهنگی ب، بهره‌مند شدن از پیشرفت‌های علمی و مجاری آن ج، بهره‌مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هر گونه اثر علمی، ادبی یا هنری که مصنف (مخترع) آن است».

حق بر فعالیت و کار خلاقانه هم مبتنی بر حق کرامت و شخصیت انسان است و امری مسلم و مورد تأیید دین اسلام و در بند ۳ همین ماده ۱۵ آمده است: کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیت‌های خلاقه را محترم بشمارند.

در قوانین داخلی ما نیز این حقوق و آزادی‌ها که بنیان حق بر هنر را هم تشکیل می‌دهند، مورد تأیید قرار گرفته است؛ از جمله در اصول ۲۰، ۲۴، ۲۶ و ۲۸ قانون اساسی.

د. مبنای عقلی

به نظر می‌توان مهم‌ترین و محوری‌ترین دلیل را جهت اثبات حق بر هنر برای انسان، مبنای عقلی دانست. چه همان‌گونه که بیان شد هنر امری فطری و نیرویی ارزشمند است که خداوند در وجود انسان نهاده است و با آن می‌تواند افکار، عواطف، نگرانی‌ها، شادی و

غم خود را بیان کند. هنر تجلی روح آدمی و زبان گویای اندیشه‌ها و احساسات و جلوه‌ای از استعدادهای خدادادی است که با آن هنرمند افکار و خلاقیت خود به تصویر می‌کشد. این حق هم‌زاد و همراه انسان بوده و همواره از آن بهره برده است. پس هنر به مثابه یک حق مسلم انسان باید شناسایی شود، چه این که نفی و انکار آن محرومیت و ظلمی بزرگ به انسان‌ها محسوب می‌شود.

هنر دارای زمینه‌های گسترده، مصادیق متنوع^۱ و فوائد و آثار مهمی برای انسان و جامعه بشری است (فوایدی چون آموزش و تربیت، ارتباط، فرهنگ‌سازی و...) از این رو باید آن را به مثابه یک حق برای انسان و شهروندان جامعه در نظر گرفت. افزون بر این، هنر ابزاری کارا و مؤثر برای تحقق اهداف عالی انسانی و نشر معارف اسلامی و گسترش عدالت اجتماعی است. بدین سان، هنر از جایگاه متعالی، کارکردهای ویژه و تأثیرات بی‌نظیری برخوردار است که نشان از ضرورت تأیید آن به مثابه یک حق در اندیشه اسلامی دارد. ناگفته نماند که در این مجال تنها به مبانی این حق بسنده شد، درحالی که مستندات این حق در آموزه‌ها و منابع دینی متعدد است که در ادامه به مناسبت بحث از وظایف و تکالیف دولت، برخی از آنها مورد اشاره قرار می‌گیرد.

با اثبات حق بر هنر بر پایه مبانی تردیدناپذیر، در ادامه وظایف دولت و حکمرانی اسلامی در قبال این حق مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرد.

۳. وظایف و تکالیف حکومت اسلامی در برابر حق برهنر شهروندان

دولت اسلامی به لحاظ جایگاه، رسالت و اهدافش، در برابر هنر به عنوان یک حق مسلم، مشروع و مؤثر برای شهروندان در قلمرو حاکمیت اسلامی، وظایف مهمی و بعضاً منحصر به فردی دارد که اجرای مطلوب آنها حکمرانی اسلامی را در مقوله هنر متحقق می‌سازد. در ادامه مهم‌ترین این وظایف و تکالیف بیان می‌شود.

۱. مصادیق هنر عبارتند از: موسیقی (خوانندگی، نوازندگی)، شعر، نویسندگی، نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری، تئاتر، سینما، خوشنویسی، عکاسی، کارهای دستی ظریف، گرافیک و....



مبانی حق بر هنر و وظائف دولت در برابر آن از منظر شریعت اسلامی

الف. شناسایی حق بر هنر و حمایت از حق هنر شهروندان و زمینه‌های تحقق مطلوب آن (نیازها و استعدادها و اقشار مستعد و محروم)

همان‌گونه که بیان شد، باتوجه به مبانی تردیدناپذیر حق بر هنر، آثار و فوائد آن، دولت اسلامی موظف است در چهارچوب ضوابط شرعی، ضمن شناسایی و تأیید آن، حمایت لازم برای استیفا و بهره‌برداری از این حق را برای شهروندان فراهم آورد. در این میان افراد مستعد در زمینه هنر نیازمند حمایت بیشتری هستند، به‌ویژه افرادی که در محدودیت‌های مالی و فقر امکانات به سر می‌برند که در این میان کودکان، توان‌خواهان، سالمندان و هنرمندان کم‌توان از اولویت برخوردارند. به‌موجب مبانی حکومت اسلامی و عدالت اجتماعی^۱، دولت موظف است در تأمین حقوق افراد بر اساس نیازها و استعدادهای آنها تلاش کند تا رفاه و آرامش جامعه و رشد و تعالی شهروندان فراهم گردد. که به فرموده امام علی (ع): «مَا عُمِرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ (غررالحکم: ۹۵۴۳) هیچ چیزی به مانند عدالت مایه عمران و آبادی مملکت نیست.

چنان که اشاره شد، حکومت اسلامی باید در تأمین حقوق و نیازهای مردم ناظر و پیگیر باشد و اگر شخص یا گروهی از دستیابی به حق خود محروم یا ناتوان است او را یاری داده و امکانات لازم را برایش فراهم آورد. امیرمؤمنان علی (ع) هنگامی هم که در مسند حاکمیت قرار گرفت، حمایت از طبقه نیازمندان و درماندگان را موردتوجه کامل قرار داد. سفارش‌های آن حضرت برای دستگیری از نیازمندان در حدی است که خداوند را به عنوان شاهد یاد می‌کند و می‌فرماید: خدا را درباره طبقه پایین جامعه در نظر داشته باش! مردمی که چاره‌ای ندارند، از بیچارگان و نیازمندان و گرفتاران رنجور و ناتوانان زمین‌گیر و در میان این طبقه قانع و سؤال‌کننده وجود دارد و پاسدار حقی را که خداوند برای آن نگهبانی‌اش را به تو سپرده و بخشی از بیت‌المال را به آنان اختصاص بده»^۲.

۱. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (۲۵ حدید) إِنَّ اللَّهَ يُأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (۹۰ نحل).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ (۱۳۵ نساء).

۲. «ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسْكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالذَّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ

بی‌گمان این وظیفه حکومت اسلامی به تأمین نیاز مالی و جنبه‌های مادی اختصاص ندارد، بلکه شامل جنبه‌های غیرمادی و نیازهای روحی و معنوی هم می‌شود.

بدین ترتیب اگر کودکانی در مناطقی از کشور اسلامی از حق هنر محروم اند یا هنرمند نیازمند حمایت و دستگیری است، این وظیفه حاکم اسلامی است که با درک مناسب، امکانات لازم را برای آنان فراهم آورد و جالب این که حتی در ضعف یا قصور حاکمیت اسلامی در این باره از باب تعاون و تکافل اسلامی، تأمین این حقوق و نیازها بر عهده متمکنین از جامعه اسلامی است. توضیح آن که اسلام دین الفت و برادری است و آموزه‌های این شریعت مقدس در جهت تحکیم روابط، تعاون و همبستگی میان آنان است. از این رو قرآن کریم، پیامبر اسلام ﷺ و پیشوایان معصوم ﷺ همواره مردم را به برادری و کمک به یکدیگر دعوت و سفارش نموده اند؛ قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات آیه ۱۰) درحقیقت مؤمنان با هم برادرند؛ پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید». همچنین می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده ۲) و باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری».

مرحوم شهید صدر درباره تکافل نگاشته‌اند: «اسلام بر مسلمانان کفالت و پشتیبانی یکدیگر را واجب کفایی ساخته است. اسلام این همیاری را وظیفه هر مسلمان در حدود امکانات و توانش دانسته که باید آن را در هر حال انجام دهد، همان‌طور که دیگر کارهای واجبش را انجام می‌دهد» (صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۳، ص ۷۷۴).

بدین ترتیب، در تکافل اجتماعی افراد جامعه همدیگر را معاضدت و پشتیبانی می‌نمایند، خواه به صورت فردی یا به صورت جمعی، چه به وسیله راهبردهای ایجابی (مثل سرپرستی یتیم) یا سلبی (مثل تحریم ربا) با انگیزه وجدان باطنی که از عمق باور اسلامی سرچشمه می‌گیرد، تا اینکه فرد انسانی در پناه کفالت و حمایت جامعه زندگی کند و جامعه به کمک فرد بیاید، تا جامعه برتر تشکیل شده و ضرر و آسیب افراد دفع

قَائِعًا وَ مُعْتَرِئًا وَ أَحْفَظَ اللَّهُ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ: نهج البلاغه، نامه ۵۳.



مبانی حق بر هنر و وظائف دولت در برابر آن از منظر شریعت اسلامی

گردد (علوان، ۱۹۶۳م، ص ۱۵). البته همیاری و تکافل اجتماعی دارای اساس عقلی (جلوگیری از ظلم و بی عدالتی و حفظ نظام اجتماعی) و مبنای عقلایی است. در همه زمان ها و مکان ها خردمندان اذعان دارند که قوام و بقای جامعه نیازمند تعاون، هم کوشی و همبستگی است. بی گمان اگر افراد به دنبال منافع خود بوده و تنها دغدغه خاطر تأمین ضروریات زندگی خود را داشته باشند، جامعه به سمت فساد، کج روی و آسیب های اجتماعی سوق پیدا می کند؛ بنابراین، به حکم عقل لازم است همه افراد جامعه با کمک و تعاون با یکدیگر تلاش کنند ضروریات و نیازمندی های زندگی را برای یکدیگر تأمین نمایند تا به هدف مطلوبشان که همانا داشتن جامعه سالم، بانشاط و به دور از فساد و آسیب است برسند.

باید افزود حمایت دولت اسلامی فقط ناظر به اشخاص نیست، بلکه تدوین سیاست ها، برنامه ها، مقررات و نیز منظورکردن حمایت از آثار هنری نیز در این چهارچوب قرار دارد. باین همه مبانی و اهداف این حق اقتضا می کند که از آزادی و استقلال لازم برخوردار باشد. زیرا همان گونه که اشاره شد حق هنر و فعالیت های هنری بر مبنای کرامت، آزادی و حقوق فرهنگی است.

ب. بهره گیری از حق هنر در آموزش و ارتقای فرهنگ

جوامع بشری گرفتار آسیب ها و مشکلات متعددی هستند؛ مشکلاتی چون فساد، قانون گریزی، انحرافات و اختلافات که هریک تهدیدی مهم برای جامعه محسوب می شوند و بی تردیدی ریشه اصلی مشکلات و آسیبها و ناهنجاری های اجتماعی، فقدان آگاهی در بسیاری از مردم و عدم آموزش آنان است. در حالی که حق بر آموزش از حقوق مسلم انسان است که ریشه در حقوق فطری و کرامت او دارد. از نظر شریعت اسلامی هم مردم حق و تکلیف بر آموزش دارند^۱ و در برابر، دولت و کارگزاران آن مکلف اند که اقدامات

۱. چون انسان دارای کرامت است (سوره اسراء / آیه ۷۰) این کرامت و ارزش بشری اقتضاء دارد که انسان به بالندگی، کمال جویی و دانش افزایی رو آورد و به همین دلیل است که طلب علم در دین اسلام تکلیف و فریضه دانسته شده است. از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده که: طلب العلم فریضة علی کل مسلم. رک: محمد بن یعقوب الکلینی، الکافی، ج ۱ ص ۳۰.

و حمایت‌های مناسب را در این راستا فراهم آورند. تعلیم و تربیت، در زمره اهداف و مسئولیت‌های حکومت اسلامی قرار دارد. «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (سوره جمعه / آیه ۲). حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در این باره فرموده اند: «ای مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی، بر من است که خیرخواهی را از شما دریغ ندارم و حقی که در بیت المال دارید، کاملاً بپردازم و شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید... (نهج البلاغه، خطبه ۳).

البته در بند سوم اصل ۳ قانون اساسی مقرر شده که دولت موظف است همه امکانات خود را برای آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی به کارگیرد.^۲ در این مجال هنر با توانایی‌ها، تنوع و ظرافت‌هایش نقش مهم و بی بدیلی در آموزش و ارتقای فرهنگ عمومی دارد. دولت در اجرای وظیفه مهم خود باید از ظرفیت‌های بی نظیر هنر بهره‌گیری کند، تا آموزش‌ها به طور مطلوب نهادینه شده و جامعه در مسیر کامیابی و سعادت قرار گیرد. بی‌گمان فرهنگ و تمدنی ماندگار و جاودانه می‌شود که هنرمندان با استعداد، فعال و خلاق در آن باشند و آثار فرهنگی هنری پر بار و ماندگار از خود به جا گذارند.

متأسفانه این وظیفه مهم، خاصه بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و ظرافت‌های هنری، به لحاظ کم‌توجهی دولت‌ها یا اهتمام و اولویت‌دهی آنان به امور دیگر، یا بی‌دقتی در به‌کارگیری روش‌های صحیح و مؤثر، به طور شایسته انجام نمی‌شود و گاه نیز مغفول می‌ماند و در

۱. بجااست که به ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره شود که در خصوص حق بر آموزش و اهداف آن بیان داشته است: «هر کس حق دارد از تعلیم و تربیت استفاده کند. تعلیم و تربیت باید دست‌کم در مورد آموزش ابتدایی و اساسی رایگان باشد. تعلیمات فنی و حرفه‌ای باید برای همه ممکن باشد. دسترسی به تعلیمات عالی به باید برای همه و بنایه شایستگی هر کس امکان پذیر باشد. هدف تعلیم و تربیت باید شکوفایی کامل شخصیت بشری و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. تعلیم و تربیت باید حسن تفاهم و گذشت و دوستی بین همه ملت‌ها و همه گروه‌ها از هر نژاد یا هر دین، همچنین گسترش فعالیت‌های ملل متحد را برای حفظ صلح تسهیل کند. پدر و مادر برای تعیین نوع تعلیم و تربیت فرزند خود حق اولویت دارند».

۲. در اصل ۳۰ قانون اساسی ما هم مقرر شده است: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد».



مبانی حق بر هنر و وظائف دولت در برابر آن از منظر شریعت اسلامی

پی آن، به اُفت فرهنگی، عدم توفیق آموزش، کاهش رضایت‌مندی مردم و بروز مشکلات اجتماعی منجر می‌شود.

ناگفته نماند که آموزش در اسلام از قلمرویی وسیع برخوردار است، از یک سو آموزش به فراگیری علوم الهی و معنوی توجه دارد و از سوی دیگر به کسب مهارت‌ها و یادگیری تجارب برای تدبیر بهتر منزل و جامعه نظر دارد. به هر روی اندیشمندان اسلامی گفته‌اند که العلم کله کمال النفس، هر علم و دانشی مایه کمال نفس است اگرچه از نظر ارزش و ضرورت بین آنها اختلاف است (نراقی ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۹۴).

ج. بهره‌گیری از هنر در نشاط و سلامت روانی

شادی و نشاط از نیازهای طبیعی و اساسی انسان محسوب می‌شود؛ از آنجا که اسلام کامل‌ترین آیین و جامع‌ترین دین است و برای تمامی ابعاد زندگی انسان برنامه دارد و در همه جوانب مصلحت انسان را در نظر می‌گیرد. از این رو حق تفریح، شادی و نشاط انسان را مورد عنایت قرار داده^۱ و حتی برنامه‌های خاصی را برای آن توصیه کرده که مطابق با فطرت الهی او است^۲. امام رضا علیه السلام نقل است که امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند: الطَّيِّبُ نُسْرَةٌ وَالْعَسَلُ نُسْرَةٌ وَالرُّكُوبُ نُسْرَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْخَضِرَةِ نُسْرَةٌ؛ بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگاه به مناظر سرسبز و خرم، باعث نشاط و شادی می‌شود (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۰).

هنر به واسطه زیبایی‌ها، ظرفیت‌های خاص و تأثیرگذاری‌اش، یکی از ابزارهای

۱. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَمَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ». رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) هر کس مومنی را شاد کند، مرا شاد کرده و هر کس مرا شاد کند، خدا را مسرور کرده است. در روایتی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِدْخَالَ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ» به درستی که محبوب‌ترین اعمال نزد خدای متعال ادخال سرور در قلب مومن است و در روایتی دیگر فرمودند: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ إِدْخَالِ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ» خداوند به چیزی محبوب‌تر از ادخال سرور در قلب مومن عبادت نشده است. (الکلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸۸-۱۹۰) امام رضا علیه السلام می‌فرماید: فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدَ الْفَرَائِضِ أَفْضَلَ مِنْ إِدْخَالِ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ؛ بعد از انجام واجبات هیچ کاری در نزد خدای عز و جل برتر از شاد کردن مؤمن نیست. (المجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۷).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۳.

نشاط آفرین و مؤثر در روحیه انسان و ارتقای سلامت روانی در جامعه است. بیان زیبایی ها، افکار خوب، شادی ها، تجارب مفید، امیدها و آرزوها با زبان هنر، گویاتر و ماندگارتر است. انسان و جامعه با هنر خوب به آرامش و آسایش می رسد و در مسیر خوشبختی و رستگاری قرار می گیرد. بدین جهت، بشر در ادوار حیات اجتماعی اش هیچ وقت بدون هنر زندگی نکرده و هنر از آغاز زندگی تا به امروز همواره همراه و آرامش بخش او بوده است. از آن جا که حکومت اسلامی که موظف به حفظ امنیت، آرامش و ارتقای سلامت شهروندان و جامعه است باید به این نقش و ظرفیت هنر توجه کند. چه این که هرچه نشاط و آرامش در جامعه بیشتر باشد، رضایت مدنی و احترام به قانون بیشتر می شود و هرج و مرج و آسیب های اجتماعی به طور چشمگیری کاهش می یابد.

د. استفاده از هنر در ترویج آموزه ها، معارف دینی و ارتقای سلامت معنوی

همان گونه که اشاره شد هنر به جهت ظرفیت، نفوذ، ظرافت و جاذبیتی که دارد، تأثیر عمیق و وسیعی در ابعاد وجودی انسان دارد و کمتر نیرویی به توانایی آن می رسد. اساساً، هنر ریشه در فطرت و خلقت دارد. جهان هستی خود تجلی گاه هنر الهی است و خدا برترین هنرمند هستی^۱؛ همچنان که پروردگار جمیل فرموده: «ما آسمان دنیا را با زینت ستارگان آراستیم و زیبا ساختیم»^۲ و انسان را در نیکوترین ساختار آفریدیم^۳ و «ما آنچه را که در زمین جلوه گر است زینت و آرایش ملک زمین قرار دادیم تا مردم را امتحان کنیم که کدام یک عملشان نیکوتر خواهد بود»^۴. دین اسلام هم از آغاز در قالب های هنری ارائه گردید؛ در زمانی که سخنوران توانا فراوان بودند و شاعران و ادیبان هنر خود را به رخ می کشیدند، قرآن در بلندترین، عالی ترین و کامل ترین شکل بیان هنری بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شد. به گونه ای با تلاوت آیات زیبای آن در دل و جان افرادی می نشست و آنان را

۱. هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى (حشر، آیه ۲۴).

۲. زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ (صافات ۶) وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزِينَةً لِّلنَّاطِرِينَ (حجر، آیه ۱۶).

۳. وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (تین ۴) وَصَوَّرَكُم بِأَحْسَنِ صُورِكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ، (غافر، آیه ۶۴).

۴. إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (كهف آیه ۷).



مبانی حق بر هنر و وظائف دولت در برابر آن از منظر شریعت اسلامی

از خودبی خود می‌کرد. قرآن از لحاظ زبان هنری، سرمایه‌ای بی‌نظیر است، و همین قالب هنری یکی از وجوه اعجاز و ماندگاری آن هنری آن است. پس هنر در عرضه معارف دینی جایگاه ویژه‌ای داشته و بر آن نیز تأکید شده است؛ خداوند می‌فرماید: *يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ* ای فرزندان آدم، زیورهای خود را در مقام هر عبادت به خود برگزید (اعراف، آیه ۳۱) و در ادامه می‌فرماید: *قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ* بگو: چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟ (اعراف، آیه ۳۲). انبیا و پیشوایان الهی چه در معجزات خود و چه در گفتار و رفتار خود همواره از تعینات و قالب‌های هنری بهره برده‌اند. به همین جهت برخی از فقیهان اندیشمند بر این باورند که حکم اولی هنر بدون توجه به تعین و مصداق خاصی، استحباب است (علیدوست، <http://a-alidoost.ir/persian/lessons/27148>) چه بر اساس آیات ذکر شده، سیره پیامبران و امامان علیهم‌السلام، و نیز روایات متعدد این عقیده غیر قابل انکار است. از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که ایشان فرمودند: خداوند دوست دارد وقتی نعمتی را بر بنده اش ارزانی داشت، آن را در وی ببیند چرا که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد^۱.

بدین‌سان، حکومت اسلامی موظف است از ظرفیت هنر به‌درستی استفاده کند و در انجام رسالت خود، ترویج و نهادینه‌کردن معارف و آموزه‌های دینی و تأمین سلامت معنوی جامعه و شهروندان به شایستگی از آن بهره‌گیرد. به‌ویژه زمانی که مخالفان و معاندان با بهره‌گیری از امکانات هنری و رسانه‌ای خود در مقابل تفکر الهی و توحیدی قرار گرفته‌اند، این مسئله اهمیت مضاعفی پیدا کرده و حکومت اسلامی وظیفه مهمی در شناسایی، حمایت و بهره‌گیری از هنر و هنرمندان در تبیین حقایق و مقابله با تهاجم دشمنان دارد و این هم همان هنر اسلامی و قلمرو حکمرانی مطلوب در هنر است.

مع‌الاسف این نقش مهم هنر و این وظیفه مهم دولت اسلامی کمتر موردتوجه قرار گرفته است. زیرا فقه مدون ما بیشتر چهارچوب و احکام فعالیت‌های هنری را بیان کرده

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام قَالَ: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ أَحَبَّ أَنْ يَرَاهَا عَلَيْهِ لِأَنَّهُ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ (الكافي ج ۶ ص ۴۳۸).

و حتی جنبه‌های سلبی آن بیشتر نمود دارد (مثل ناروایی مجسمه‌سازی، موسیقی و نقاشی). اما فقه مدون آئینه تمام‌نمای شریعت نیست و اینک به برکت حاکمیت اسلامی و رویکرد فقه حکومتی و فقه هنر، بجاست که با درک مناسب و مراجعه شایسته به منابع و آموزه‌های اسلامی، جنبه‌ها و ظرفیت‌های مهم هنر در آموزش، ترویج معارف و ارتقای سلامت معنوی تبیین شود و تکالیف الزامی دولت چه در این باره و چه در برابر حق هنر شهروندان بررسی و ارائه شود.

به عنوان نمونه، نقش بی‌بدیل هنر در سلامت معنوی بسیار مهم است. هنرهای زیادی چون ادبیات، معماری، نگارگری و موسیقی کارکرد زیادی در زمینه ترویج و ارتقای سلامت معنوی داشته و بستری برای تعالی انسان فراهم کرده و از اساسی‌ترین عوامل گسترش معنویت در جامعه است؛ لذا حکومت اسلامی موظف است این مهم را دریابد و با قدرت و جدیت از این نقش هنر استفاده کند و بی‌تردید اهمال و قصور در این باره مایه ضعف و موجب مسئولیت دولت و حاکمیت اسلامی است.

هـ. نظارت حکومت اسلامی در مجال حق هنر و آثار هنری

یکی از وظایف مهم دولت، نظارت بر اجرای حقوق شهروندان جهت اصلاح، کنترل و بهبود اوضاع است، تا حقوق به‌درستی و با رعایت مقررات و حریم افراد و جامعه استیفا شده و موانع و مشکلات مربوط به آن برطرف گردیده و مورد سوءاستفاده قرار نگیرند. دولت اسلامی به موازات شناسایی و حمایت از حق هنر و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن، موظف است بر اجرای این حق و تولید آثار هنری نظارت پیشینی و پسینی داشته باشد تا از ضوابط و مقررات شرعی تجاوز نکرده و مسیر اهداف انسانی و الهی منحرف نشود.

بی‌گمان، هنر یک حق است و یک ظرفیت مهم، دولت اسلامی وظیفه حمایت از حق هنر را دارد، اما اگر موجب انحراف، انحطاط و نابودی ارزش‌های انسانی و اسلامی شود و وسیله‌ای برای فساد گردد، باید محدود شده و با آن جلوه‌های ناشایست آن مقابله



شود. لیکن باید اذعان داشت که اصل بر روایی هنر است و منع و تحدید آن نیازمند دلایل قطعی و ضروری است؛ هنر نباید بی جهت محدود و ناروا تلقی شود. به گفته برخی فقهایان: «ما هر چیزی را که از مصادیق فن و هنر در بستر زمان به حساب آید و وسیله حرام و فساد قرار نگیرد، عمل آن را حرام نمی‌دانیم. حتی اگر در اصل تأسیس و اختراع، وسیله‌ای برای فساد و حرام بوده باشد. به عنوان نمونه در زمان‌های پیشین، مجسمه‌سازی حرام بوده، زیرا آن را می‌ساختند و در مکانی خاص که موسوم به محله هیاکل بود، قرار می‌دادند و از آن طلب یاری می‌کردند، کم‌کم این کار بالا گرفت و به شکل بت‌های معروف درآمد و آن را در مقام عبادت شریک خدا قرار داده و می‌پرستیدند. این کار در آن زمان جز فساد و انحراف چیز دیگری نبود و لذا حکم به تحریم آن شد. (محمدابراهیم جناتی، هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی، کیهان اندیشه، ۱۳۷۵، شماره ۶۶)

باید اذعان نمود که نظارت برای حفظ حق هنر و مصونیت هنر و هنرمند است و نه محدودسازی هنر و مقابله با هنرمند، چه آن گونه که گفته‌اند: «هر هنرمند دارای دو مسئولیت است: یکی در برابر خود، یکی در برابر مردم. مسئولیت او در برابر خودش بدین جهت است که از فعل و انفعال‌های عاطفی و درونی خود الهام می‌گیرد. مسئولیت او در برابر مردم به خاطر این است که از فعل و انفعال‌های اجتماعی الهام می‌گیرد. پس اگر فیلم‌های نمایشی و آهنگ‌ها و شعرها و سرودها مفید و آموزنده و جنبه سازندگی نداشته باشند، در برابر آنها مسئول خواهد بود.» (محمدابراهیم جناتی، هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی، کیهان اندیشه، ۱۳۷۵، شماره ۶۶) این سخن سنجیده و درست است و نظارت بر این مسئولیت تنها توسط حاکمیت اسلامی و نهادهای مرتبط با آن میسر است. پس حکومت اسلامی نباید هنر را محدوده و قرق گاه خود تلقی کند. هنر بازنمایی حقیقت است، مقوله‌ای اصیل و با ارزش و برخاسته از فطرت که کمتر دچار انحراف و آلودگی می‌شود. هنر باید در دست هنرمندان باشد تا با استقلال و خود آیینی بتواند ظرفیت‌های ارزشمند خود را متجلی نماید. حاکمیت نباید انتظار داشته باشد که هنر همواره حامی و ستایشگر او باشد. بلکه هنر می‌تواند نقش ارشادی و انتقادی و حتی

نظارتی بر دولت داشته باشد. همان گونه که رهبر معظم انقلاب فرموده اند: «توقع انقلاب از هنر و هنرمند، یک توقع زورگویانه و زیاده خواهانه نیست؛ بل مبتنی بر همان مبانی زیباشناختی هنر است. هنر آن است که زیبایی ها را درک کند. این زیبایی ها لزوماً گل و بلبل نیست؛ گاهی اوقات، انداختن یک نفر در آتش و تحمّل آن، زیباتر از هر گل و بلبلی است. هنرمند باید این را ببیند، درک کند و آن را با زبان هنر تبیین نماید» (بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر ۱۳۸۰/۵/۱) بی شک هنر در فضای مطلوب و شایسته حقایق را به درستی درک کرده و ترویج می کند. چنان که در تاریخ اسلام هنر دینی و اسلامی همواره به این درک رسیده و در ترویج معارف دینی جلوه های بی نظیری خلق کرده است^۱.

نتیجه

حق بر هنر، بر پایه های محکمی چون مبنای عقلی، کرامت بشری و آزادی بیان، یکی از مصادیق مهم حقوق بشر و حقوق شهروندی محسوب می شود. هنر زبانی گویا و ابزاری کارا و مؤثر برای تحقق اهداف عالی انسانی و نشر معارف اسلامی و گسترش عدالت اجتماعی است، از این رو، در دیدگاه اسلام دارای جایگاه متعالی، کارکردهای ویژه و تأثیرات بی نظیری بوده است که خود نشان از ضرورت تأیید آن به مثابه یک حق دارد. این حق، مشتمل بر حق ایجاد و ارائه هنر، آزادی هنری و بهره گیری از جلوه ها و آثار هنری است. البته حق بر هنر با عنوان مستقل نه در فقه و نه در مباحث حقوق بشری مطرح نشده، اما در پرتو آموزه های دینی و حقوق مهمی چون حق کرامت، آزادی بیان، حقوق فرهنگی، آموزش و ترویج معارف و... قابل طرح است.

دولت اسلامی به لحاظ جایگاه، رسالت و اهدافش، در برابر هنر به عنوان یک حق مسلم، مشروع و پر تأثیر برای شهروندان، وظایف مهمی دارد که اجرای مطلوب آنها

۱. هنر دینی آن است که بتواند معارفی را که همه ادیان - و بیش از همه، دین مبین اسلام - به نشر آن در بین انسان ها همت گماشته اند و جان های پاکی در راه نشر این حقایق نثار شده است، نشر دهد، جاودانه کند و در ذهن ها ماندگار سازد. بیانات رهبری معظم در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر ۱۳۸۰/۵/۱.



مبانی حق بر هنر و وظائف دولت در برابر آن از منظر شریعت اسلامی

حکمرانی اسلامی را در مقوله هنر متحقق می‌سازد. این وظائف شامل: شناسایی حق بر هنر و حمایت شایسته از آن، بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن در آموزش و ارتقای فرهنگ، و نیز بهره‌گیری از آن در نشاط و سلامت روانی، ترویج ارزش‌ها و معارف دینی و ارتقای سلامت معنوی است. بر این اساس حکومت اسلامی باید شرایط مناسب و عرصه مساعد را برای شکوفایی و رشد هنر و حفظ و ارائه آثار هنری برای تمام افراد خاصه مستعدان و علاقه‌مندان فراهم آورد تا به موازات آن بتواند از ظرفیت و آثار آن بهره‌برداری نماید. لیکن دولت نباید مجال هنر را قلمرو حکمرانی و محدوده مداخله و تصدی‌گری خود تلقی کند، بلکه باید این عرصه را در اختیار اصحاب هنر قرار دهد و حمایت‌های مطلوب را ارائه نماید. هنر باید در دست هنرمندان باشد تا با استقلال و خودآیینی بتواند ظرفیت‌های ارزشمند خود را متجلی نماید. حاکمیت نباید انتظار داشته باشد که هنر حامی و ستایشگر او باشد، و حتی هنر می‌تواند نقش ارشادی، انتقادی و نظارتی بر دولت و حاکمیت داشته باشد. باین همه یکی از وظائف دولت اسلامی نظارت بر این حق و آثار هنری داشته باشد تا از حدود ضوابط و مقررات شرعی تجاوز نکرده و مسیر اهداف انسانی و الهی منحرف نشود. اگر هنر موجب انحراف، انحطاط و نابودی ارزش‌های انسانی و اسلامی شود و وسیله‌ای برای فساد گردد، باید محدود شده و با آن جلوه‌های ناشایست آن مقابله شود. لیکن باید اذعان نمود که اصل بر روایی هنر است و منع و تحدید آن نیازمند دلایل قطعی و ضروری است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

❁ فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۷ق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، انتشارات جهان.
۲. ارسطا، محمدجواد، ۱۳۹۶، نظام اسلامی حقوق بشر، قم، مکتب اندیشه.
۳. ارسطا، محمدجواد، ۱۳۹۶، نظام اسلامی حقوق بشر، قم، انتشارات مکتب اندیشه.
۴. امامی، سید حسن، ۱۳۷۳، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، ج. ۱.
۵. انصاری، مرتضی ۱۴۱۵ق، کتاب المکاس-ب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
۶. الآمدی، عبدالواحد، ۱۹۸۷م، غررالحکم و دررالکم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۷. توجهی، عبدالعلی، و سمیعی، زهرا، ۱۳۹۹، دکترین حق داشتن در برابر حق بودن با رویکردی بر نظر امام خمینی، پژوهش نامه متین، سال ۲۲، شماره ۸۹.
۸. تولستوی، لئو، هنر چیست؟، ۱۳۶۴، مترجم: کاوه دهگان، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۱، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۱۰. جعفری، محمدتقی، ۱۳۸۵، نظام جهانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب و تطبیق آن دو با یکدیگر، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۱. حکمت نیا، محمد و غیاثوند، مهدی، ۱۳۹۵ آزادی ابراز خلق هنری و حدود آن، مجله الهیات هنر، شماره ۷.



مبانی حق بر هنر و وظائف دولت در برابر آن از منظر شریعت اسلامی

۱۲. ساکت، محمدحسین، ۱۳۷۱، حقوق شناسی: دیباچه ای بر دانش حقوق، مشهد، نشر نخست، چاپ اول.
۱۳. سید فاطمی، محمد. ۱۳۸۸، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
۱۴. شایسته فر، زهره، پوراشرف، آزاده، ۱۴۰۰، پژوهشی پیرامون کارکرد اجتماعی هنر در دوران پسا کرونا از منظر آدورنو (مطالعه موردی: بررسی تابلوی شام آخر بالستر) مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی سال چهارم بهار ۱۴۰۰ شماره ۱ (پیاپی ۱۴).
۱۵. صدر، سید محمدباقر، ۱۴۳۴ق، اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر)، قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر قدس سره، دار الصدر.
۱۶. صفاری نیا، محیا، ۱۳۹۵، حقوق فرهنگی در نظام بین المللی حقوق بشر، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، شماره ۲.
۱۷. طباطبایی یزدی، محمدکاظم، ۱۳۷۶، حاشیة المکاسب، قم، دارالعلم.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۱۷ق.
۱۹. طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسين.
۲۰. علوان، عبدالله ناصح، ۱۹۶۳ م، التكافل الاجتماعي في الاسلام، حلب، المكتبة العربية.
۲۱. علیدوست، <http://a-alidoost.ir/persian/lessons/>، ۲۷۱۴۸.
۲۲. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۵، مجموعه مقالات به مناسبت روز حقوق بشر، ابعاد کرامت انسان از منظر اسلام، تهران، گرایش.
۲۳. عمید، حسن، ۱۳۷۵، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۴. قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۳۸۶، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر میزان.
۲۶. الکلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۱ق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. المجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۸. محمد ابراهیم جناتی، ۱۳۷۵، هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی، کیهان اندیشه، شماره ۶۶.
۲۹. منتظری نجف آبادی، حسینعلی، ۱۴۲۹ق، مجازات های اسلامی و حقوق بشر، قم: ارغوان دانش.
۳۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۷ق، عوائد الایام، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

۳۱. هابز، توماس، لویاتان، ترجمه بشیریه حسین، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
۳۲. هنرجو، حسین، اهمیت هنر در زندگی اجتماعی، نشریه الکترونیکی طرح نو وطن (۲۱۰۴) <http://tarhenaw.com/?p>

33. The Oxford Encyclopedia.

34. Waldron, J., «Introduction», Theories of Rights, (ed.) J. Waldron, Oxford: Oxford University Press, 1995.

